

معرفی پادکست: از نادر گمنام تا آدم‌ها و ریاضی

علی الماسی*

یادم است یک بار در قفسه‌ای خاک‌گرفته در کتابخانه‌ی مدرسه‌ی راهنمایی‌مان کشف جدیدی کردم. مجله‌هایی که اسم‌شان برهان بود و مطالب‌شان درباره‌ی ریاضیاتی که آن روزها، تازه در حال تجربه‌کردن و چشیدن طعم‌اش بودم، و خودمان‌ایم، مزه‌اش هم به دل‌ام نشسته بود. با اشتیاقی حاصل از کشف جدید، آن چند شماره را به خانه آوردم و شروع به خواندن‌شان کردم. راستش آن موقع، در کل، چندان چنگی به دلم نزد. با این وجود، دو صفحه در همه‌ی شماره‌ها بود که برایم بسیار جذاب بود. داستان‌های مصوری به قلم «نادر گمنام»، که از گیلان و اصفهان و مسجدسلیمان تا یونان و آمریکا سفر می‌کرد و هم‌صحبت ریاضی‌دانانی می‌شد که نام خیلی‌هایشان را اولین بار بود که می‌شنیدم. شخصیت‌هایی که آن موقع نمی‌دانستم بعضی‌هایشان چند سال بعد، از داستان‌های نادر گمنام به داستان زندگی خودم هم می‌آیند.

چند سال بعد، در دبیرستان، دوباره پای قصه‌ای به رابطه‌ی من و ریاضی آشنا شد. این بار اما قصه، مثل داستان‌های نادر گمنام پایان خوشی نداشت که آدم بعد از خواندن‌اش، دل‌اش غنچ برود برای ریاضی‌دان‌شدن. برای من، که با خواندن چند صفحه‌ی اول کتاب، طوری میخ‌کوب داستان شدم که تمام کتاب را در پنج-شش ساعت خواندم، قصه به قدری مهیب بود که تا چند روز نمی‌توانستم دست از فکر کردن درباره‌اش بردارم. کتاب درباره‌ی «سفری حماسی برای یافتن حقیقت» بود. سفری که آدم را هم‌چون کم‌دی الهی داتته، از میان دوزخ و برزخ می‌گذراند تا (شاید) به بهشت حقیقت برساند، و من گمان می‌کنم که در همان برزخ با قهرمان‌های کم‌دی منطقی‌جا ماندم.

وقتی داشتم وارد شریف می‌شدم که ریاضی بخوانم، تازه فهمیدم که نادر گمنام سال‌های راهنمایی، همان مترجم کم‌دی منطقی دوران دبیرستان، همان سلبریتی آموزش ریاضی شریف و بهشتی و همان امیر اصغری است. راست‌اش، برای من خیلی سخت است که امیر اصغری را معرفی کنم. با این حال، فکر می‌کنم هر کدام‌مان یک جوری با او آشنا هستیم. بعضی، از آن ریاضی دوی افسانه‌ای و به قول خودش غیراستانداردش در شریف می‌شناسندش؛ عده‌ای با مجله‌ی شفاهی و شماره‌هایی از مجله که درباره‌ی آموزش ریاضی هستند و او پای ثابت‌شان است؛ بعضی با $math4maryams$ و کلکسیون بی‌نظیری که از مجله‌های ریاضی فارسی درست کرده است و ما هم‌بندی‌ها علاوه بر همه‌ی این‌ها با این اخلاق‌اش که هیچ‌وقت نه نمی‌آورد و (شاید) تنها استادی است که خیلی وقت‌ها ما را جدی گرفته است.

نادر گمنام ما، این روزها روایت مجموعه داستان جدیدی را آغاز کرده است. آدم‌ها و ریاضی نام پروژه‌ی تازه‌ی اوست. راویان داستان‌ها، خودشان ریاضی‌دان‌اند و روایت‌گر ماجراهایشان با ریاضیات. امیر از آن‌ها می‌خواهد که برایمان تعریف کنند که چه مسیری در زندگی آن‌ها طی شده است تا به جایگاه فعلی‌شان در ریاضیات برسند، و گاهی خودش هم سؤالاتی می‌پرسد تا جنبه‌های مجهول داستان را روشن‌تر کند. هر داستان، گرچه از دیگری مستقل است، اما بی‌ارتباط به آن نیست. شهشهانی، مصاحب و شریف، از جمله شخصیت‌هایی هستند که در بیشتر داستان‌ها حضور دارند و در هر گفت‌وگو ابعادی متفاوت از آن‌ها روشن می‌شود. این را نیز باید در نظر گرفت که بستر تاریخی و اجتماعی روایت‌ها با یکدیگر اشتراکات زیادی دارد و به این ترتیب، از خلال گفت‌وگوها می‌توان نکات تاریخی و اجتماعی ارزشمندی را درباره‌ی ایران دهه‌های گذشته دریافت.

برای من، مجموعه داستان جدید امیر اصغری با دو داستان قبلی که بالاتر به آن‌ها اشاره کردم متفاوت است؛ و البته من به عنوان شنونده‌ی داستان نیز با آن آدم قبلی فرق دارم. آدم‌ها و ریاضی مجموعه‌ای از داستان‌های واقعی است؛ داستان‌هایی که راوی بعضی‌هایشان با نسل ما فقط یک دهه تفاوت سنی دارند و بعضی حرف‌هایشان را می‌توانید با گوشت و پوست‌تان احساس کنید؛ با قصه‌ی مونا آزادکیا از ته دل شاد شوید، با شنیدن داستان سیامک یاسمی بغض گلویتان را فشار دهد و به چشمان‌تان

اشک بنشیند، با روایت اسماعیل بابلیان پشت پرده‌ی تالیف کتب درسی که با آن‌ها ریاضی آموخته‌اید را ببینید و با صحبت‌های سیاوش شهشهانی، حسرت این به دل‌تان بنشیند که کاش چند سال زودتر به شریف آمده بودید و با او درس می‌گرفتید. آدم‌ها و ریاضی برای آن‌ها که ریاضی خوانده و می‌خوانند، روشن‌گر و الهام‌بخش است؛ و بالاخص برای کسانی که در ایران ریاضی خوانده‌اند، متضمن نکات تاریخی ارزشمند و مهمی درباره‌ی فرهنگ ریاضی ایران است که احتمالاً می‌توان جای دیگری به آن‌ها دست‌رسی پیدا کرد.

از آن‌جا که فرض کرده‌ام مخاطبان این نوشته در وهله‌ی اول هم‌دانشکده‌ای‌های خودم در شریف و اعضای انجمن علمی همبند هستند، بیان نکته‌ای را خالی از لطف نمی‌بینم. بهار ۹۹، در آستانه‌ی تولد دکتر سیاوش شهشهانی، اعضای همبند آن دوره در تکاپو بودند که برنامه‌ی بزرگ‌داشتی به مناسبت تولد ایشان برگزار کنند. یکی از ایده‌هایی که در آن زمان توسط دکتر علی کمالی‌نژاد طرح شد، تهیه‌ی یک مصاحبه‌ی مفصل با خود دکتر شهشهانی درباره‌ی جنبه‌های مختلف زندگی و فعالیت‌های علمی، آموزشی، تالیفی و اجتماعی‌شان به سبک پروژه‌ی تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد بود. برای ما که آن روزها، با وجود تلاش فراوان موفق به انجام این کار نشدیم، آغاز شدن پروژه‌ی آدم‌ها و ریاضی، به عنوان طرحی که با ایده‌های اولیه‌ی ما قرابت زیادی دارد، بسیار خرسندکننده است. از طرفی، در دوره‌های مختلف، همبند برنامه‌هایی را به سبک گفت‌وگو درباره‌ی مسیر زندگی و فعالیت‌های آکادمیک با اساتید ریاضی و علوم کامپیوتر برنامه‌ریزی و اجرا کرده است (جدیدترین چنین برنامه‌هایی را که از سال ۹۷ آغاز شده و -کمابیش- تاکنون ادامه داشته است، احتمالاً با نام ریمان می‌شناسید). به باور من، این تجربه‌های همبند، و ایده‌ها و طرح‌هایی که اعضای آن در طول سال‌ها به حافظه‌ی آن افزوده‌اند، می‌تواند به یاری آدم‌ها و ریاضی بیاید و چه بسا برخی کاستی‌ها و نقص‌های فعلی را نیز برطرف کند. ارتباط نزدیک امیر اصغری با همبند در سال‌های اخیر، برای من نویدبخش تحقق چنین هم‌فکری و هم‌کاری‌هایی است و امیدوارم که هر چه زودتر اتفاق بیفتد.

به هر ترتیب، اگر دوست دارید با شخصیت‌های مهم ریاضیات معاصر ایران آشنا شوید، فراز و نشیب‌ها و پیچ و خم‌های مسیر زندگیشان برای رسیدن به جایگاه فعلی‌شان در ریاضیات را بدانید و در یک کلام، از پنجره‌ی زندگی «آدم‌ها» نیم‌نگاهی به «ریاضی» بیندازید، آدم‌ها و ریاضی فرصتی برای آن است. فرصتی که به دست کسی فراهم شده که خودش هم ید طولایی در روایت‌گری ریاضیات و آدم‌های آن را دارد.

* فارغ‌التحصیل کارشناسی ریاضی، دانشگاه صنعتی شریف

رایانامه: ali.almasi@sharif.edu